

# بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان)

هما سروش مهر\* - کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران

حامد رفیعی - دانشجوی دوره دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تهران

خلیل کلانتری - دانشیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

حسین شعبانعلی فمی - دانشیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۹/۲۸

پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۱۱/۱۴

## چکیده

رسیدن به توسعه‌ای برابر و پایدار در جامعه بدون در نظر داشتن زنان روستایی کشور، امری دست‌نیافتنی خواهد بود. به‌زعم اکثر پژوهشگران توسعه، شناخت جایگاه زنان در روستاها از الزامات رسیدن به توسعه روستایی مطلوب در جوامع به‌شمار می‌آید. پژوهش حاضر نیز با توجه به این موضوع به بررسی سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان در روستاهای شهرستان همدان می‌پردازد. در این نوشتار، با استفاده از توابع کیفی لوجیت، عوامل مؤثر بر بهبود جایگاه مورد نظر، شناسایی شد و میزان دقیق آثار هر یک از متغیرهای مورد بررسی بر بهبود پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی تعیین گردید. برای این منظور تعداد ۲۵۶ نفر از زنان شهرستان همدان، به روش کوکران در سال ۱۳۸۸ انتخاب گردیدند. روش نمونه‌گیری به‌صورت انتساب متناسب طبقه‌ای و در مرحله بعد به‌صورت تصادفی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که ۳۶/۳ درصد زنان در پایگاه پایین، ۵۵/۹ درصد در پایگاه متوسط و ۷/۸ درصد در سطح بالایی از پایگاه اقتصادی - اجتماعی قرار دارند. همچنین با توجه به برآورد مدل لوجیت مشخص شد که متغیرهای تحصیلات همسر، اعتماد به نفس، میزان پس‌انداز، مهارت‌های اقتصادی زنان، خودانبرخشی، نگرش جنسیتی، مشارکت اقتصادی و تحرک اجتماعی، اثر مثبت و معنی‌داری در سطوح مختلف بر احتمال بهبود پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی داشته‌اند. برآورد آماره کشش، نشان داد که بیشترین اثر مثبت مربوط به متغیر مشارکت اقتصادی بوده است، به‌طوری‌که افزایش یک درصدی در میزان این شاخص، منجر به افزایش ۰/۴۸۸ درصدی در احتمال بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان خواهد شد. همچنین با توجه به



آماره اثر نهایی، با افزایش یک واحدی در میزان این شاخص، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان، ۰/۰۹۶ واحد افزایش خواهد یافت. متغیر خشونت خانگی رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۱۰ درصد با احتمال بهبود پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان داشته است. با توجه به نتایج این پژوهش، تقویت شاخص‌هایی که اثر مثبت بر پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان داشته‌اند، به‌ویژه در مورد شاخص مشارکت اقتصادی و همچنین کاهش خشونت خانگی به‌منظور بهبود پایگاه مورد نظر، ضروری خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** پایگاه اقتصادی - اجتماعی، زنان روستایی، لوجیت، شهرستان همدان.

## مقدمه

وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است، و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیشتری آن را درمی‌یابند (محمودیان، ۱۳۸۲). بدین منظور از دهه هفتاد میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه‌جانبه زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی گردید و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند. تمامی این تلاش‌ها سعی در آگاه ساختن مردم از اهمیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان جامعه (که پیش از این از نظرها پنهان بود) در توسعه کشور و محل زندگی داشت، زیرا هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد شد (خواججه‌نوری، ۱۳۷۶). تحقیقات در مورد زنان شاغل (به‌ویژه در بخش غیررسمی اقتصاد)، در شهر و روستا، باعث شد که اهمیت و انواع فعالیت‌های تولیدی زنان در اقتصاد جهان سوم روشن شود. اما در مورد زنان روستایی این موضوع اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا زن بودن در دنیای امروز به خودی خود احتمال بودن در دایره فقر را افزایش می‌دهد (Chant, ۲۰۰۳)، حال زنان با زندگی در جوامع روستایی تجربه‌ای متفاوت از تبعیض و محرومیت را می‌چشند، زیرا آنان عهده‌دار فعالیت‌های اقتصادی‌ای هستند که منجر به کسب درآمد ملموس نمی‌شود و همین امر سبب می‌گردد تا آنان موقعیت اجتماعی - اقتصادی پایین‌تری پیدا کنند، دسترسی و مالکیت‌شان بر منابع محدود شود (Kaur, ۲۰۰۵) و به

این بینجامد که کنترل زندگی و درآمدشان در دست مردان باشد (Afshar, ۱۹۹۸). از این رو سیاست‌گذاران بر آن شدند تا تمرکزشان را از برنامه‌هایی که به صورت قاعده کلی در جهت رفاه خانواده‌ها بود و در آن مادر بودن مهم‌ترین نقش زن روستایی در فرایند توسعه فرض می‌شد، بردارند و به نظریه‌های دیگری که به پایگاه زنان روستایی به عنوان تولیدکننده توجه داشت، بپردازند (Holtom et al., ۱۹۸۴).

با وجود این، فعالیت‌های موجود در برنامه‌های توسعه هنوز هم نتوانسته توان موجود و بالقوه زنان را در فرایند توسعه شناسایی کند و تأثیر این برنامه‌ها را بر روی بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان مشخص سازد. امکانات توزیع شده از طریق مجریان برنامه‌های توسعه به دست زنان روستایی نرسیده است. در برنامه‌های توسعه، مردان به عنوان تولیدکنندگان کشاورزی شناخته شده‌اند و در مورد نقش زنان در اقتصاد روستا نیز اطلاعات کافی وجود نداشته است (پاک‌بین، ۱۳۸۰).

پیش‌شرط برطرف کردن این نقایص توجه به وضعیت اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و برنامه‌ریزی برای برقراری مساوات و فقرزدایی است (همان). بنابراین توجه به وضعیت زنان روستایی، تلاش برای شناسایی هر چه دقیق‌تر و ارزش‌گذاری فعالیت‌های آنان و رفع مسائل و موانع بر سر راه گسترش فعالیت زنان روستایی از جمله الزامات در مسیر توسعه روستایی به‌شمار می‌آید. منطق توجیه‌کننده این تلاش، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیت‌های بالقوه منابع انسانی برای دستیابی به توسعه است. مطالعه حاضر درصدد است با بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن، به ارائه راهکارهای مناسب به منظور بهبود وضعیت اقتصادی زنان جمعیت مورد مطالعه بپردازد.

### **پیشینه تحقیق**

سهم زنان روستایی در نیروی کار کشورهای جهان سوم به دلیل سنتی بودن ساختار



تولید و روابط کار، بیشتر از مردان و همچنین بیشتر از زنان و مردان کشورهای توسعه‌یافته است (Amarilis, ۱۹۹۸). از دیرباز زنان روستاهای ایران به فعالیت‌هایی نظیر بذرکاری، نشای صیفی‌جات، تنک و وجین کردن چغندرقد و پنبه، کوبیدن حبوبات و کمک در بوجاری محصولات مزرعه، جمع‌وجور کردن امور دامداری و خشک کردن گوشت برای مصرف در فصل سرما می‌پردازند (شهبازی، ۱۳۸۲). با اینکه زنان روستایی علاوه بر امور خانه‌داری، همسرداری، و تربیت فرزندان، در فعالیت‌های کشاورزی نیز سهیم‌اند، اما از این بابت پایگاه اقتصادی - اجتماعی مناسبی مطابق با تلاش و فعالیت‌شان به دست نمی‌آورند و نتیجه آنکه تصویر زن روستایی در کشور ما تصویری پرتلاش، قانع، صبور و پایدار است (علائی رحمانی، ۱۳۷۴). پایگاه اقتصادی - اجتماعی<sup>۱</sup> (SES) شاخصی ترکیبی است که تجربه کاری، و موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد را نسبت به دیگر افراد در جامعه خود بیان می‌دارد و به سه دسته بالا، متوسط و پایین تقسیم‌بندی می‌شود (Marmot, ۲۰۰۴). این شاخص از دیرباز به عنوان متغیری برای مطالعات نابرابری در جمعیت‌ها و میزان دسترسی افراد به منابع توسعه به کار می‌رود (Miech & Hauser, ۲۰۰۱). برای سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی راه‌های مختلفی وجود دارد که از آن جمله‌اند، شاخص‌های مستقیم و غیر مستقیم (Falkingham & Namazie, ۲۰۰۲). شاخص‌های مستقیم شامل میزان درآمد ماهانه، میزان تحصیلات و نوع شغل افراد در جامعه است که از شاخص‌های قدیمی برای سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد به شمار می‌آیند. از جمله شاخص‌های غیرمستقیم و جدید که در مطالعات توسعه و سنجش سلامتی افراد به کار می‌رود، میزان دارایی‌های تحت مالکیت افراد است (Chuna & Molyneux, ۲۰۰۹). درآمد ماهیانه به مجموع دریافتی در طول یک دوره (معمولاً یک ماه) به ازای انجام

---

۱. Socioeconomic status

فعالیت اقتصادی معین اطلاق می‌شود (Deaton, ۱۹۹۷). میزان تحصیلات به معنی تعداد سال‌هایی است که افراد تحت آموزش رسمی قرار گرفته‌اند. این متغیر در کسب نوع شغل افراد در جامعه و میزان درآمد ماهیانه افراد نقش مهمی ایفا می‌کند (Miech & Hauser, ۲۰۰۱). شغل حرفه‌ای، اقتصادی است که افراد در بیشتر طول زندگی خود به آن مشغول‌اند و در قبال ارائه خدمات و یا کالا مبلغی معین دریافت می‌کنند (Nordstorm et al., ۲۰۰۴). متغیرهایی که برای سنجش شاخص‌های دارایی‌های افراد به کار می‌روند بسیار متنوع‌اند و مواردی از قبیل زمین زراعی، منزل مسکونی، کارگاه تولیدی، ماشین و مانند آن را در بر می‌گیرند. این متغیرها برای روستائینان و شهرنشینان و برای زنان و مردان جداگانه به کار گرفته می‌شوند. به‌عنوان مثال، متغیر زمین زراعی برای سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی روستائیان بسیار مناسب‌تر از دیگر متغیرها به‌شمار می‌آید (Lindelow, ۲۰۰۶). میزان دارایی‌ها بر منابع تولیدی دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند آن را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی مطرح سازد، از جمله اینکه: (۱) داده نسبتاً سریع و آسان جمع‌آوری می‌شوند؛ (۲) دارایی‌های هر شخص تصویری از سطح زندگی وی را ارائه می‌دهد؛ (۳) این شاخص بهتر از شاخص‌های دیگر از قبیل درآمد ماهیانه و سطح آموزشی، نماینده وضعیت اقتصادی فرد در طول زمان است (Miech & Hauser, ۲۰۰۱).

اگرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصادی قلمداد می‌شود، به ندرت در مباحث اقتصادی به آن پرداخته شده است. بیشتر مطالعاتی که در ایران در مورد فعالیت اقتصادی و اشتغال صورت گرفته است، بر روی اثبات این قضیه است که زنان روستایی ایران در فعالیتهای اقتصادی مشارکت بالایی دارند و یا مطالعه در خصوص عواملی است که اشتغال زنان روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (خواجه نوری و حاتمی، ۱۳۸۶). افزون بر این، اکثر تحقیقات و مطالعات به دنبال ثبت فعالیتهای اقتصادی و اشتغال خارج از منزل زنان شهری بوده‌اند و کمتر به



شکل تحلیلی و دقیق به سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی پرداخته‌اند. بررسی اجتماعی - اقتصادی نقش زنان در روستای آهندان به‌وسیله سرمدی و همکاران (۱۳۷۳) نشان داد که در خانوارهای روستایی منتخب، با اینکه زنان در انجام امور تولید از مردان فعال‌ترند (در میان اقشار مختلف، ۷۶ درصد از زنان در سطح پایین اقتصادی، ۷۴ درصد از قشر متوسط و ۵۶ درصد از زنان مرفه، نیروی کار خانوار در مزارع برنج و چای را تشکیل می‌دهند).

قدرت و نفوذ مرد در خانواده بسیار بالاست و زنان در مورد تصمیم‌گیری‌های تولیدی نقش ناچیزی دارند. البته شرکت مستقیم زنان در فعالیت‌های زراعی کاربر مانند نشاکاری و وجین، فعالیت آنان را در استخدام کارگر و مدیریت واحد زراعی ضروری می‌کند؛ با این همه سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های حساس مانند فروش محصولات، خرید نهاده‌ها و وسایل کشاورزی، خرید لوازم سنگین منزل، تحصیل و ازدواج فرزندان ناچیز است.

رسول پور عربی (۱۳۷۶) به بررسی نقش زنان در فعالیت‌های روستایی شهرستان رامسر پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۹۶ درصد از زنان روستایی، حداقل دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده بودند. اما نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی آنان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. نتایج همچنین نشان داد که زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا و خانواده، خود مالک عوامل تولید نیستند. به همین دلیل با وجود حضور گسترده در فعالیت‌های اقتصادی، در استفاده از اعتبارات دولتی با موانع متعددی روبه‌رو هستند. این تحقیق نشان می‌دهد که انگیزه فعالیت بیش از ۸۷ درصد از زنان مورد مطالعه، نیازهای اقتصادی خانواده بوده است. این مسئله، اهمیت حضور زنان خانه‌دار روستایی را در فعالیت‌های متعدد اقتصادی به‌منظور کمک به اقتصاد خانوار و رها کردن خانواده روستایی از فقر مطلق نشان می‌دهد.

حمیدرضا بابایی (۱۳۷۹) طی پژوهشی به شناخت جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان استان همدان پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۹۳/۵ درصد از زنان، پایگاه اجتماعی و اقتصادی بسیار پایینی داشته‌اند و تنها ۲/۹ درصد در سطح متوسط و ۲/۸ درصد در سطح بالا و خیلی بالا قرار دارند. زنان شهرستان همدان، نهاوند، تویسرکان، رزن، بهار و اسدآباد و کیودرآهنگ به ترتیب از بالاترین سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی تا پایین‌ترین سطح را به خود اختصاص داده‌اند.

لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصاد روستایی و سهم آنان در این حوزه در استان فارس پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین تحصیلات و مشارکت اقتصادی آنها رابطه معکوس وجود دارد. همچنین با افزایش سن، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود. با افزایش تحصیلات و درآمد مردان، مشارکت زنان کمتر می‌گردد. در نهایت مشخص شد که قوی‌ترین عامل تبیین‌کننده تغییرات میزان مشارکت اقتصادی زنان، نگرش آنها نسبت به شغل‌شان است.

### روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر تحقیقی کاربردی است و از مطالعات میدانی به‌شمار می‌آید. روش انجام تحقیق به صورت پیمایشی بوده و به منظور گردآوری داده‌های تحقیق از پرسش‌نامه استفاده شده است. در هنگام انجام پرسشگری به علت ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه، مانند بی‌سوادی یا کم‌سوادی، عدم آشنایی با تحقیق و روش تکمیل انجام پرسش‌نامه، تکمیل پرسش‌نامه‌ها به صورت مصاحبه نیمه‌بسته صورت گرفته است.

در این پژوهش مفهوم پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی، براساس داشتن شغل درآمدزا، میزان درآمد، سطح تحصیلات، میزان تملک زمین، باغ و یا منزل مسکونی، سنجیده شده است. برای بررسی تأثیر متغیرهای توضیحی مختلف بر بهبود



جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان، از مدل رگرسیونی کیفی لوجیت استفاده شده است. متغیرهای به کار رفته برای بررسی اثر فوق اینها هستند: تحصیلات همسر، تفاوت سنی با همسر، شاخص اعتماد به نفس، میزان پس‌انداز زنان، مهارت‌های اقتصادی زنان، شاخص خودآثربخشی، شاخص خشونت خانگی و تحرک اجتماعی. الگوی لوجیت از تابع توزیع تجمعی لوجستیک همانند رابطه (۱) تبعیت می‌کند (Judge et al., ۱۹۸۸):

$$F(I_i) = F(X_i'\beta) = \int_{-\infty}^{I_i} \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \exp(-i^2/2) di \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن  $F(I_i)$ ، تابع چگالی نرمال تجمعی فرد  $i$  ام است و  $I_i$  نیز تابعی خطی از متغیرهای توضیحی مدل است.  $X_i$ ، ماتریس متغیرهای توضیحی و  $X_i'$ ، ترانهاده آن است.  $\beta$  نیز ماتریس پارامترهای برآوردی است. مدل لوجیت می‌تواند به صورت رابطه (۲) نیز بیان شود (Ibid):

$$P_i = \Pr(Y_i = 1) = F(X_i'\beta) = \frac{1}{1 + \exp(-X_i'\beta)} \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در آن  $P_i$ ، احتمال یک بودن متغیر وابسته و به معنی بهبود جایگاه اقتصادی زنان نسبت به میانگین‌های موجود در روستاست. پارامترهای مدل لوجیت با استفاده از روش حداکثر راستنمایی برآورد می‌شوند. به طوری که، اگر یک نمونه با  $T$  مشاهده موجود باشد، تابع راستنمایی به صورت رابطه (۳) تعریف می‌شود (Maddala, ۱۹۹۱):

$$L = \prod_{i=1}^T F(Y_i) = \prod_{i=1}^T P_i^{Y_i} (1 - P_i)^{(1-Y_i)} \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$L = \prod_{i=1}^T F(X_i'\beta)^{Y_i} [1 - F(X_i'\beta)]^{(1-Y_i)}$$



همان گونه که پیش از این اشاره شد، در صورتی که جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان بالاتر از میانه‌های موجود در روستا باشد،  $Y_i = 1$  (بی‌انگر بهبود جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان) و در غیر اینصورت،  $Y_i = 0$  خواهد بود. لگاریتم تابع راستنمایی به صورت رابطه (۴) تعریف می‌شود (Ibid).

$$\text{Ln } L = \sum_{i=1}^T \{ Y_i \text{Ln} [F(X_i'\beta)] + (1 - Y_i) \text{Ln} [1 - F(X_i'\beta)] \} \quad \text{رابطه (۴)}$$

در نهایت با توجه به روابط (۱) تا (۴)، الگوی لجیت به صورت رابطه (۵) برآورد می‌شود (Judge et al., ۱۹۸۸):

$$L_i = \ln\left(\frac{P_i}{1 - P_i}\right) = X_i'\beta \quad \text{رابطه (۵)}$$

که در آن  $L_i$ ، بی‌انگر لگاریتم نسبت احتمالات است. در برآورد مدل لجیت، پیش‌بینی تأثیرات تغییر در متغیرهای توضیحی بر احتمال بهبود جایگاه اقتصادی فرد  $i$ ام، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. مقدار اثر نهایی (ME)، بیانگر مقدار تغییر در احتمال بهبود جایگاه اقتصادی به ازای تغییر در یک واحد از هر متغیر توضیحی است و از رابطه (۶) نتیجه می‌شود:

$$\text{ME} = \frac{\partial P_i}{\partial X_{ki}} = F(X_i'\beta_k) \beta_k = \frac{\exp(-X_i'\beta)}{[1 + \exp(-X_i'\beta)]^2} \beta_k \quad \text{رابطه (۶)}$$

که در آن  $\beta_k$ ، پارامتر برآوردشده  $k$ امین متغیر توضیحی است. مقدار کشش (E) نیز بیان‌کننده درصد تغییر در احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان، به ازای تغییر در یک درصد تغییر در هر یک از متغیرهای توضیحی است. در مطالعه حاضر، این کشش در میانه‌ها محاسبه شده است که به صورت رابطه (۷) محاسبه می‌شود:

$$E_{ki} = \left(\frac{\partial p_i}{\partial X_{ki}}\right) \frac{X_{ki}}{F(X_i'\beta)} \quad \text{رابطه (۷)}$$



کلیه زنان روستایی شهرستان همدان که در فاصله سنی ۱۵ تا ۷۰ سال قرار دارند در سال ۱۳۸۸، جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند که براساس آخرین آمار موجود (مرکز آمار، ۱۳۸۵)، تعداد آنها ۴۵۳۳۴ نفر است و با استفاده از رابطه کوکران، حجم نمونه آماری ۲۵۶ نفر برآورد شده است. روش نمونه‌گیری به صورت انتساب متناسب طبقه‌ای و در مرحله بعد به صورت تصادفی است. از آنجا که در خصوص موضوع تحقیق پرسش‌نامه استاندارد وجود نداشت، به منظور ساده‌سازی پرسش‌ها از نظر متخصصان، استادان دانشگاه، و کارشناسان خبره استفاده شده است. همچنین به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه در بین روستاییان مناطق مختلف شهرستان توزیع شد و از طریق مصاحبه و نظرخواهی تکمیل گردید. با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی پرسش‌نامه حدود ۰/۸۳ برآورد شده که نشانه قابلیت اعتماد ابزار تحقیق است.

### یافته‌ها

زنان روستایی جامعه موردنظر در محدوده سنی ۱۵ تا ۷۰ سال قرار دارند. میانگین سنی زنان ۳۷ سال است و بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال جای دارند. بررسی تعداد اعضای خانواده مشخص ساخت که بعد خانوار ۶۶/۸ درصد از خانواده‌های پاسخ‌گویان تا ۵ نفر و کمتر از آن است. بررسی وضعیت تأهل زنان نشان داد که نزدیک به ۹۲ درصد افراد (۲۳۵ نفر) در تحقیق، متأهل‌اند که از این بین ۶/۶ درصد سرپرست خانوار بوده‌اند.

مشخصات فردی	فراوانی	درصد
<u>گروه سنی</u>		
۲۰ سال و کمتر	۹۴	۳۶/۷

۴۷/۳	۱۲۱	۳۰ - ۲۱
۱۱/۷	۳۰	۴۰ - ۳۱
۴/۳	۱۱	۴۱ سال و بالاتر
<u>وضعیت تأهل</u>		
۱/۶	۴	مطلقه
۹۱/۸	۲۳۵	متاهل
۶/۶	۱۷	سرپرست خانوار
تعداد اعضای خانواده		
۲۵/۸	۶۶	۰-۳
۵۷/۴	۱۴۷	۴-۶
۱۳/۳	۳۴	۷-۹
۳/۵	۹	بالای ۱۰ نفر

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۸

یافته‌های تحقیق نشان داد که از میان ۲۵۶ نفر زنان روستایی مورد مطالعه ۷۲ نفر بی‌سوادند (۲۸/۱ درصد)، ۲۷ نفر (۳۸/۷ درصد) تحت آموزش نهضت سوادآموزی، توانایی خواندن و نوشتن را دارا هستند، ۸۷ نفر (۳۴ درصد) نیز در مقطع ابتدایی متوقف شده‌اند. ۴۱ نفر (۱۶ درصد) راهنمایی، ۱۹ نفر (۷/۴ درصد) متوسطه، ۱۰ نفر (۳/۹ درصد) دارای مدرک دی‌پلم هستند. بنابراین اطلاعات، می‌توان اظهار داشت که ۷۲/۷ درصد از زنان، تحصیلات چندانی ندارند و در وضعیت بی‌سوادی و کم‌سوادی به سر می‌برند.

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
-------------	---------	------	------------



۲۸/۱	۲۸/۱	۷۲	بی‌سواد
۳۸/۷	۱۰/۵	۲۷	خواندن و نوشتن
۷۲/۷	۳۴/۰	۸۷	ابتدایی
۸۸/۷	۱۶/۰	۴۱	راهنمایی
۹۶/۱	۷/۴	۱۹	متوسطه
۱۰۰/۰	۳/۹	۱۰	دیپلم و بالاتر
	۱۰۰/۰	۲۵۶	جمع کل

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۸

در بررسی فعالیت‌های اقتصادی زنان مشخص شد که ۸۰ درصد جامعه مورد مطالعه به فعالیت درآمدزا مشغول‌اند و نزدیک به ۲۰ درصد (۵۱ نفر) زنان نتوانسته و یا نخواسته‌اند که درآمدی برای خود داشته باشند. در خصوص علل نداشتن درآمد ۵۰ نفر از جامعه آماری، مصاحبه‌ای نیمه‌ساختارمند با آنان به عمل آمد. عده‌ای اظهار داشتند که مهارت‌های اقتصادی‌شان بسیار پایین است، عده‌ای دیگر نداشتن امکاناتی از قبیل وسایل قالی‌بافی را دلیل این امر بیان کردند و در آخر عده‌ای به این نکته اشاره داشتند که در روستای آنان کار زن از نظر فرهنگی پذیرفته نیست و باعث حرف و حدیث فراوان از جانب آشنایان می‌گردد. در تحقیق حاضر ۱۵ نوع شغل زنان شناسایی شد که در جدول ۳ معرفی شده‌اند.

نوع شغل	فراوانی (درصد)	نوع شغل	فراوانی (درصد)
بافندگی	۲۲/۳	عروسک‌سازی	۲/۰
لبنیات‌فروشی	۲۲/۳	لحاف‌دوزی	۲/۰
قالی‌بافی	۱۰/۹	رشته‌بری	۱/۶

۰/۸	لباس فروشی	۵/۱	آرایشگری
۰/۸	تخم مرغ فروشی	۳/۹	قالب بافی
۰/۴	معلمی	۳/۱	خیاطی
۰/۴	ترشی و مربا فروشی	۲/۳	شیره فروشی
		۲/۳	گرده پزی

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۸

میزان درآمد ماهیانه زنان روستایی در جدول ۴ درج شده است. مطابق این جدول ۶۳ نفر (۳۰/۷۳ درصد) از زنان درآمدی کمتر از ۵۰.۰۰۰ ریال در ماه دارند. ۲۵/۸۵ درصد بین ۵۰.۰۰۰ تا ۲۰۰.۰۰۰ ریال درآمد و ۴۳/۴۱ درصد بیشتر از ۲۰۰.۰۰۰ ریال درآمد دارند.

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	میزان درآمد (هزار ریال)
۳۰/۷۳	۳۰/۷۳	۶۳	کمتر از ۵۰
۵۶/۵۸	۲۵/۸۵	۵۳	۲۰۰ تا ۵۰
۱۰۰	۴۳/۴۱	۸۹	۲۰۰ و بالاتر
	۱۰۰	۲۰۵	جمع کل

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۸

بررسی می‌زان تملک زمینی زراعی، باغ و منزل مسکونی زنان نشان داد که نزدیکی به ۸۵ درصد از جامعه آماری معادل با ۲۲۰ نفر هیچ گونه ملکی به نام خود نداشته‌اند و مابقی هم بعد از فوت شوهر بهره‌ای اندک از زمین یا باغ برده بودند.

نوع مالکیت	عدم	دارای	کمینه	بیشینه	میانه	انحراف از
------------	-----	-------	-------	--------	-------	-----------



استاندارد	تملک		تملک		
۳۷/۵۰	۲/۴۰	۶۰۰	۱۵	۲	۲۵۴ (مترمربع)
۲۵/۳۱	۲/۵۰	۵۰۰	۱	۸	۲۴۸ (هکتار)
۷۲/۶۹	۵/۲۴	۴۰۰	۱۰۰	۳۵	۲۲۱ (مترمربع)

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۸

با جمع شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی زنان، شاخص پای‌گاه اقتصادی-اجتماعی زنان محاسبه می‌شود. با توجه به نتایج، مشخص شد که ۳۶/۳ درصد زنان از پای‌گاه پای‌ی، ۵۵/۹ درصد از پای‌گاه متوسط و ۷/۸ درصد از سطح بالایی از پای‌گاه اقتصادی-اجتماعی برخوردارند.

پای‌گاه اقتصادی-اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پای‌ی	۹۳	۳۶/۳	۳۶/۳
متوسط	۱۴۳	۵۵/۹	۹۲/۲
بالا	۲۰	۷/۸	۱۰۰/۰
جمع کل	۲۰۵	۱۰۰	

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۸

به منظور بررسی اثر عوامل مختلف در جایگاه اقتصادی زنان، از الگوی کیفی لوجیت استفاده شده است. در این مقوله همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، متغیر میزان تحصیلات همسر در سطح معنی‌داری پنج درصد، با علامت مثبت معنی‌دار شده است، به طوری که با افزایش یک درصدی در میزان تحصیلات همسر، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان، ۰/۲۸۹ درصد افزایش خواهد یافت. نتایج مربوط به برآورد اثر

نهایی نیز نشان می‌دهد که چنانچه تحصیلات همسر یک سال افزایش یابد، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان،  $0/083$  واحد افزایش خواهد یافت.

متغیر تفاوت سنی با همسر نشان‌دهنده رابطه منفی با احتمال بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان است، هر چند که این اثر در سطوح مناسبی معنی‌دار نبوده است.

شاخص اعتماد به نفس در بین زنان با بهبود جایگاه اقتصادی آنها رابطه مثبتی داشته و در سطح یک درصد معنی‌دار شده است. همچنین برآورد کشش مربوط به آن نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در میزان این شاخص، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان،  $0/455$  درصد افزایش خواهد یافت (با افزایش هر یک واحد به میزان این شاخص، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان،  $0/091$  واحد افزایش می‌یابد).

نتایج نشان می‌دهد که احتمال افزایش جایگاه اقتصادی در بین زنان که دارای پس‌انداز مناسب‌تری بوده‌اند، بیشتر بوده است. متغیر پس‌انداز در سطح معنی‌داری  $10$  درصد، با احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان رابطه مثبتی داشته است. این نتایج نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در میزان پس‌انداز زنان، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی آنها به میزان  $0/203$  درصد افزایش می‌یابد (با افزایش یک میلیون ریال به میزان این پس‌انداز، احتمال بهبود این وضعیت اقتصادی  $0/436$  واحد افزایش خواهد یافت).

متغیر مهارت‌های اقتصادی زنان در سطح معنی‌داری یک درصد با احتمال بهبود وضعیت اقتصادی زنان رابطه مثبتی داشته است. برآورد کشش در این زمینه نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در میزان مهارت‌های زنان، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان،  $0/355$  درصد افزایش خواهد یافت (با افزایش هر مهارت جدید به مهارت‌های زنان، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی آنها  $0/101$  واحد افزایش خواهد یافت). میزان شاخص خودآثربخشی نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با احتمال بهبود جایگاه



اقتصادی زنان در سطح یک درصد داشته است. برآورد کشش در مورد آن نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در میزان این شاخص، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان  $0/401$  درصد افزایش خواهد یافت (افزایش یک واحدی به میزان این شاخص، منجر به افزایش  $0/088$  واحدی در احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان خواهد شد).

نگرش برابری جنسیتی، در سطح  $10$  درصد معنی‌دار بوده و بیانگر رابطه مثبتی بین این شاخص و احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان است. به عبارت دیگر با افزایش یک درصدی این شاخص، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان به اندازه  $0/214$  درصد افزایش خواهد یافت (با افزایش هر واحد به میزان شاخص محاسبه شده، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی  $0/043$  واحد افزایش خواهد یافت).

برآورد پارامتر مربوط به شاخص مشارکت اقتصادی نیز بیان می‌کند که افزایش میزان این شاخص منجر به بهبود جایگاه اقتصادی زنان خواهد شد. این رابطه به خوبی در سطح یک درصد معنی‌دار است. همان‌گونه که از آماره کشش مشخص است، افزایش یک درصدی در میزان این شاخص، منجر به افزایش  $0/488$  درصدی در احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان خواهد شد (با افزایش یک واحدی در میزان این شاخص، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان،  $0/096$  واحد افزایش خواهد یافت).

متغیر خشونت خانگی رابطه منفی و معنی‌دار در سطح  $10$  درصد با احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان داشته است، لذا خشونت خانگی، عامل بازدارنده در بهبود جایگاه اقتصادی زنان خواهد بود. سرانجام متغیر تحرک اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری با احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان داشته است، به طوری که با افزایش تحرک اجتماعی در زنان، احتمال مشارکت اقتصادی و در نهایت بهبود جایگاه اقتصادی آنها نیز افزایش می‌یابد.

		t		
--	--	---	--	--



/	/	/	/ **	
/	/	/	/	
/	/	/	/ ***	
/	/	/	/ *	
/	/	/	/ ***	
/	/	/	/ ***	
/	/	/	/ *	
/	/	/	/ ***	
/	/	/	/ *	
/	/	/	/ **	
Likelihood Ratio Statistic (L.R. Statistic) = /				
Probability (L.R Statistic) = /				
Percentage of Right Prediction = /				
Mcfadden $R^2 = /$				
Maddala R-Square= /				
Esterella R-Square = /				
* ** ***				

آماره نسبت درست‌نمایی<sup>۱</sup> (LR)، در این برآورد، در سطح یک درصد معنی‌دار است، لذا متغیرهای توضیحی توانسته‌اند متغیر وابسته را به خوبی توصیف کنند. ضریب تعیین مک‌فادن نیز برابر ۰/۵۵۰ شده است. این آماره به همراه آماره‌های مادالا و استرلا بیانگر آن است که متغیرهای توضیحی مدل، تغییرات متغیر وابسته مدل را به خوبی توضیح داده‌اند. همچنین مطابق برآوردهای حاضر، درصد پیش‌بینی صحیح در این مدل برابر ۹۷/۰۳۳ درصد است، بدین معنی که حدوداً ۹۷ درصد پیش‌بینی‌ها در مورد احتمال بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان صحیح است.

---

۱. Likelihood Ratio Statistic



## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به اهمیت بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان در روند توسعه روستایی کشور، پژوهش حاضر به بررسی این شاخص در بین زنان روستایی شهرستان همدان پرداخته است. براساس نتایج تحقیق، بهبود تحصیلات زنان روستایی، نقش مؤثری در شناخت جایگاه اقتصادی آنها و ارتقای وضعیت موجود زنان خواهد داشت. لذا، تشریح اهمیت تحصیلات دختران در بین خانواده‌های روستایی، توسعه نهضت سوادآموزی و ایجاد مؤسسات آموزش از راه دور برای زنانی که امکان کمتری برای تحصیل دارند، در بهبود جایگاه اقتصادی آنها تأثیر زیادی خواهد داشت. همچنین نتایج نشان داد که چنانچه همسران زنان مورد مطالعه، سطوح تحصیلی بیشتری داشته باشند، جایگاه اقتصادی زنان می‌تواند افزایش یابد. در این راستا توسعه امکانات تحصیلی در بین مردان روستایی هم می‌تواند سیاست‌گذاری مناسبی در جهت رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده، قلمداد شود.

نتایج نشان داد که چنانچه شاخص اعتماد به نفس در بین زنان روستایی بهبود یابد، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان به شدت افزایش خواهد یافت. همچنین از آنجا که تنها ۱۶ درصد زنان روستایی دارای اعتماد به نفس بالایی بوده‌اند، لذا سیاست‌گذاری‌ها به‌منظور تقویت روحیه اعتماد به نفس در بین زنان بسیار اثربخش و ضروری خواهد بود. با توجه به نتایج این پژوهش چنانچه زنان پشتوانه پس‌انداز داشته باشند، جایگاه اقتصادی مطلوب‌تری خواهند داشت. بنابراین، تشویق زنان به پس‌انداز بیشتر می‌تواند راهکاری در جهت بهبود وضعیت موجود باشد. افزایش مهارت‌های اقتصادی زنان نیز اثر چشمگیری در بهبود جایگاه اقتصادی آنها خواهد داشت. لذا، آموزش‌های لازم در این زمینه به‌منظور افزایش توان تولیدی زنان (مانند صنایع دستی) و گسترش برنامه‌های فنی و حرفه‌ای در روستا، می‌تواند نقش بسزایی در بهبود جایگاه اقتصادی این گروه

داشته باشد.

شاخص خوداثربخشی در بین زنان اثر مثبت و معنی‌داری در بهبود جایگاه اقتصادی زنان داشته است. از آنجا که تنها ۱۵/۲ درصد از زنان دارای خوداثربخشی بالایی در نمونه مورد نظر بوده‌اند، بنابراین تقویت این شاخص به عنوان محرکی در بهبود جایگاه اقتصادی زنان، ضروری و اثر بخش خواهد بود.

همان‌گونه که از نتایج مشخص شد، شاخص نگرش برابر جنسیتی رابطه مثبت و معنی‌داری با احتمال بهبود جایگاه اقتصادی زنان داشته است. بنابراین، چنانچه آموزش‌های لازم به زنان به نحوی ارائه گردد که این گروه، فعالیت‌شان را در سطحی پایین‌تر از گروه مردان نبینند، آنگاه جایگاه اقتصادی زنان تقویت خواهد شد. سیاست‌های تشویقی به‌منظور مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی نیز اثر درخور توجهی در بهبود جایگاه بیان شده خواهد داشت. قابل ذکر است که برآورد پارامتر مربوط به این متغیر دارای بیشترین میزان کشش بوده است. بنابراین می‌توان از این عامل به عنوان مهمترین مؤلفه در بهبود جایگاه اقتصادی زنان نام برد. متغیر مذکور در برگیرنده مؤلفه‌هایی چون عضویت در تعاونی‌های تولیدی، کمک به افزایش مهارت‌های تولیدی دیگران، پس‌انداز جمعی پول و انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی است. تشکیل گروه‌های خودیار باعث رشد اجتماعی زنان می‌شود و آنان را در مشارکت اقتصادی جامعه خود تواناتر می‌سازد و به فعالیت‌های اقتصادی جمعی امیدوار می‌کند. این گروه‌ها نیازمند راهنمایی کوچکی از طرف دولت هستند تا بتوانند موقعیت‌شان را در جامعه روستایی تحکیم بخشند. همان‌طور که مشارکت اقتصادی زنان به عنوان مهم‌ترین عامل در بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان شناخته شد، تشکیل گروه خودیار نیز می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل تسهیل‌کننده مشارکت اقتصادی زنان به کار رود.

نتایج این مطالعه نشان داد که خشونت خانگی، عامل بازدارنده‌ای در بهبود جایگاه



اقتصادی زنان روستایی قلمداد می‌شود. بنابراین، ارائه برنامه‌های مشاوره‌ای در این زمینه به‌منظور کاهش این خشونت‌ها در خانواده، می‌تواند در بهبود جایگاه موردنظر مؤثر باشد. در نهایت چنانچه زنان دارای تحرک اجتماعی بیشتری باشند، احتمال بهبود جایگاه اقتصادی در بین آنان افزایش خواهد یافت. در این زمینه با توجه به اینکه تنها ۴۱ درصد از زنان در شهرها برای فروش محصولات حضور داشته‌اند، لذا سیاست‌گذاری برای تشویق زنان به حضور پررنگ‌تر در اماکن اجتماعی و متقاعد کردن شوهران آنها، می‌تواند عامل مؤثری در بهبود جایگاه اقتصادی زنان باشد.

در نهایت توصیه می‌شود که برنامه‌های آموزشی و ترویجی مناسبی در روستاها در نظر گرفته شود تا فواید بهبود جایگاه اقتصادی زنان به‌خوبی تشریح گردد تا علاوه بر تشویق زنان به بهبود این جایگاه، خانواده‌های آنها نیز توجیه شوند که بهبود وضعیت مذکور در نهایت به نفع خانواده‌های روستایی خواهد بود.

## منابع

آماری‌لیس، تورس و روزاریو، دل روزاریو، ۱۳۷۵، **جنسیت و توسعه**، ترجمه جواد یوسفیان، چاپ اول، انتشارات بانو، تهران.

بابایی، حمیدرضا، ۱۳۷۹، **بررسی جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه شهری و روستایی استان همدان**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.

پاک‌بین، نیکی، ۱۳۸۰، **مشارکت زنان روستایی در توسعه**، نشریه برزگر، دوره ۲۲، شماره ۸۵۲، ص ۴۵-۴۸.

خواجهنوری، بیژن، ۱۳۷۶، **بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر بیگانگی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

خواجهنوری، بیژن و حاتمی، علی، ۱۳۸۶، **بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان**

استان‌های غربی کشور، مجله اینترنتی جامعه‌شناسی ایران.

رسول‌پور عربی، حسین، ۱۳۷۶، بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

سرمدی، فریده؛ مالمیر، پوران و ساریخانی، ناهید، ۱۳۷۳، زنان روستایی و اشتغالزایی آنان، وزارت کشاورزی معاونت برنامه‌ریزی و بودجه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

شهبازی، اسماعیل، ۱۳۸۲، روستازادگان دانشمند، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی هنری شقایق روستا، تهران.

علائی رحمانی، فاطمه، ۱۳۷۴، بررسی نقش پنهان زنان روستایی در توسعه اقتصادی کشور، مجموعه مقالات دومین سمینار سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهراء، تهران.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی، جهانگیری، جهانگیر و خواجه نوری، ۱۳۸۴، بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس)، جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳.

محمودیان، حسین، ۱۳۸۲، بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۱۱، صص ۱۸۹-۲۱۸.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

Afshar, H., ۱۹۹۸, **Women and Empowerment: Illustrations from the Third World**, Macmillan Publication, London, UK.

Chant, S., ۲۰۰۳, **Female Household Headship and the Feminization of Poverty: Facts, Fiction and Forward Strategies**, Gender Institute, London School of Economics.

Chuma, J. & Molyneux C., ۲۰۰۹, **Estimating Inequality in Ownership of Insecticide Treated Nets: Does the Choice of Socioeconomic Status Measure Matter?** Health Policy and Planning, ۲۴:۸۳-۹۳.



- Deaton, A., ۱۹۹۷, **The Analysis of Household Surveys: A Microeconomic Approach to Development Policy**, Washington, DC: The World Bank.
- Filmer D., Pritchett L., ۲۰۰۱, **Estimating Wealth Effects without Expenditure Data-or Tears: An Application to Educational Enrollments in States of India**, Demography ۳۸: ۱۱۵-۳۲.
- Holtom, D., ۲۰۰۴, **Coercion and Consent: The World Bank in Tanzania**, ۱۹۷۰-۲۰۰۱, Ph.D. diss. Centre for Development Studies, University of Wales, Swansea, UK.
- Judge, G., Hill, R., Griffiths, W., Lukepohl, H. and Lee, T., ۱۹۸۸, **The Theory and Practice of Econometrics**. ۲nd edition, Wiley, New York. USA.
- Kaur, A., Sherbinin, A., Toure, A., Jensen, L., ۲۰۰۵, **Economic Empowerment of Women**, United Nations Population Fund ۲۲۰ East ۴۲nd Street New York, New York ۱۰۰۱۷ (UNPF).
- Lindelov M., ۲۰۰۶, **Sometimes More Equal than Others: How Health Inequalities Depend on the Choice of Welfare Indicator**, Health Economics ۱۵: ۲۶۳-۷۹.
- Maddala, G. S., ۱۹۹۱, **Introduction to Econometrics**, ۲nd edition, Macmillan, New York. USA.
- Marmot, M., ۲۰۰۴, **The Status Syndrome: How Social Standing Affects Our Health and Longevity**, New York: Owl Books.
- Miech, R. and Hauser, M., ۲۰۰۱, **Socioeconomic Status and Health at Midlife: A Comparison of Educational Attainment with Occupation-Based Indicators**, AEP, Vol. ۱۱, No. ۲.
- Nordstorma, Ch., Ana V., Diez, R., Sharon, A., Jacksonb, J., Gardinc, M., ۲۰۰۴, **The Association of Personal and Neighborhood Socioeconomic Indicators with Subclinical Cardiovascular Disease in an Elderly Cohort**, The Cardiovascular Health Study. Social Science & Medicine ۵۹L ۲۱۳۹-۲۱۴۷

## References (in Persian)

- Aalaeierahmani, F., ۱۹۹۷, **Investigating hidden role of rural women in economic development of Iran**, Future of women in society seminar, azzahra university, Tehran.
- Afshar, H., ۱۹۹۸, **Women and Empowerment: Illustrations from the Third World**, Macmillan Publication, London, UK.
- Amarilis, T. and Delrozario, R., ۱۹۹۸, **Gender and Development**, translate: Javad yusefian, First edition, Banoo publishe, Tehran.
- Babaii, H., ۲۰۰۰, **Investigating in Socioeconomic Status of Women in Rural and Urban Society in Hamedan Province**, Hamedan planning and management organization.
- Khaje Noori, B., ۱۹۹۶, **Investigating Factors affective in women alienation (case study: Shiraz county)**, M.S. thesis in sociology, Shiraz university.
- Khaje noori, B., Hatami, A., ۲۰۰۳, **Investigating Factors Affecting on Employment of Youth Rural Women in Western Counties**, Available online at <http://sociologyofiran.com>.
- Lahsaiizade, A., Jahangiri, J., Khajenoori, B., ۲۰۰۶, **Investigating of Rural Women Economic Participation, Case Study: Fars Province**, Sociology of Iran journal (۶), ۳.
- Mahmoodian, H., ۲۰۰۴, **Investigating of Women Participation in Labour in ۱۹۷۷-۱۹۸۸-۱۹۹۸ years**, Social science journal, (۲۱).